

ادیان موعود

زهرا صباغیان

مهدویت در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ضرورت و اصالت وجود منجی

چرا همه‌ی ادیان الهی به منجی آخرالزمان اعتقاد دارند؟ چرا هر کدام از این ادیان در پی دین قبلی، مسأله‌ی موعود آخرالزمان را مطرح کرده و با شرح و بسط بیش‌تری پیروان خود را به رهننده‌ی نهایی وعده داده است؟ به عبارت دیگر، چه دلایلی وجود منجی آسمانی را در پایان جهان ضروری می‌سازد که این ادیان بدون استثنا و با تأکید، به آن اشاره داشته‌اند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که چند دلیل وجود دارد. یکی این که اعتقاد به منجی و موعود آخرالزمان، اصلی ضروری برای همه‌ی ادیان پویا و هدفدار است. به طوری که در نظر گرفتن ادیان بدون وجود منجی و موعود آخرالزمان، آن‌ها را ابتر و ناقص جلوه می‌دهد. از لحاظ منطقی چنین به نظر می‌رسد که هر جریان زنده و متحرکی، در صورتی بقا و دوام خواهد داشت که هدفی برایش متصور باشد. جهانی که بعد از ظهور منجی در عالم پدید می‌آید، هدف متعالی است که ادیان به آن توجه داشته‌اند. انتظار منجی موعود از سوی، عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سوی دیگر، عاملی برای پویایی، تحرک و آماده باش همیشگی است [شفیعی سروستانی: ۵۲].

پیامبران نیز برای تحصیل این آرمان برانگیخته شده‌اند. هدایت و رهبری مردم از راه‌های گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ بوده است و با خلقت بشر، خداوند پیامبرانی را برای هدایت او گسیل داشته است؛ تا جایی که در این راه ۱۲۴ هزار پیامبر آمده‌اند. پیامبران تمام توان خود را برای هدایت مردم صرف کرده و کوشیده‌اند، ولی هیچ‌یک در زمان حیات نتوانسته‌اند به نتیجه‌ی نهایی و مطلوب و حکومت دلخواه خود برسند. بنابراین قلمروی رهبری آن‌ها در نقطه‌ی محدودی موفق بود، اما نتوانستند حکومت جهانی تشکیل دهند. با توجه به این که اصلاح کامل در سایه‌ی حکومت مصلح جهانی صورت خواهد گرفت، امید همه این بود که این راه ادامه یابد و در همه‌ی مردم و همه‌ی جهان، زمینه‌ی برقراری حکومت جهانی به وجود آید تا همه‌ی پیامبران و مستضعفان، به آرزو و امید خود که تشکیل حکومتی درخشان و پر از صفا و صمیمیت است، نائل شوند [محمدی اشتهاردی].

تعبیرهای بسیار ارزشمندی از همه‌ی انبیا، از اول تا خاتم، راجع به آخرالزمان رسیده و تقریباً بشارت موعود و وعده‌ی منجی، جزو اجتماعی‌ترین موضوعات بین همه‌ی ادیان الهی و ابراهیمی است. همه گفته‌اند که کار نیمه‌تمام و ناتمام انبیا و ادیان به دست این مرد بزرگ کامل خواهد شد. گفته‌اند که بزرگ‌ترین تکلیف تاریخ، کار بزرگ‌ترین مرد تاریخ است.

به عبارت دیگر، توجه دادن مردم به آینده‌ی درخشان و دولت حق، و نوید دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی و ظهور یک شخصیت خداساخته و بارزی که مؤسس و سرپرست حکومت حق است، از تعالیم عموم مؤسسان ادیان به شمار می‌رود. دلیل دیگر اصالت وجود منجی این است که این موضوع به

فطرت انسان برمی‌گردد. همان‌طور که ما در فطرتمان به امنیت و زیبایی و پاکی میل داریم، وجود شخصی که پناهگاه و به نوعی نجات‌بخش انسان باشد، نیز ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه هیچ دوره از زندگی انسان، از احساس ناکامی و عدم امنیت خالی نبوده است. همه‌ی افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یابد و عدل و انصاف در جهان گسترش پیدا کند. همه‌ی افراد فطرتاً دوران بهتر و آینده‌ی روشن‌تر را می‌جویند و رسیدن به کمال را هدف خود قرار می‌دهند. انسان‌ها در طول زندگی خود پیوسته با یادآوری چنین دوران و چنین نجات‌بخشانی، خود را از یأس و نومیدی رها کرده و در انتظار موعود لحظه شماری کرده‌اند.

این امید به آینده‌ی بهتر همواره انسان‌ها را به تلاش و پویایی واداشته و تحمل سختی‌ها و مشکلات را آسان‌تر کرده است. به قول پیامبر اکرم (ص)، اگر امید نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت. و اگر آینده رو به زوال باشد، دیگر دلیلی برای دانشمندان در گسترش علوم باقی نمی‌ماند و هیچ کس تلاشی نمی‌کند.

ویژگی‌هایی درباره‌ی موعودهای ادیان

موعودهایی که در ادیان گوناگون مژده‌ی آمدن آنها به پیروانشان داده شده است، در دین‌های مورد بررسی نام‌های متفاوتی دارد. زرتشتیان موعود خود را سوشیانت به معنی کسی که سود خواهد رساند، معرفی کرده‌اند. یهودیان موعود خود را ماشیح نامیده‌اند؛ یعنی تدین شده باروغن مقدس. مسیحیان، مسیحا یا عیسی مسیح را موعود خود می‌نامند که معنای آن نیز مسح شده باروغن مقدس است. موعود مسلمانان با لقب‌های مهدی، قائم و صاحب‌الزمان معرفی می‌شود. مهدی به معنی کسی که هدایت می‌شود و قائم نیز به معنی قیام‌کننده آمده است. موعود یهودیان و مسیحیان، «مسیحا و ماشیح»، به یک معنی است و ماشیح تلفظ دیگری از مسیحا یا مسیح است. به عبارت دیگر، می‌توان مسیح یا مسیحا را نام موعود دین یهود و مسیح عنوان کرد که این نام‌گذاری، با کاری که قرار است او در آینده انجام دهد، ارتباطی ندارد. اما معنی نام‌های موعود زرتشتی و اسلام، تا حدودی به کارهای آینده‌ی این موعود مربوط است. سوشیانت می‌خواهد در آینده به افراد جامعه سود برساند و به نوعی آن‌ها را راهنمایی کند و از سختی‌ها برهاند. مهدی نیز برای هدایت مردم برگزیده شده است و می‌خواهد در راه حق برای نجات مردم و رهایی آن قیام کند.

تولد

در این زمینه، نکته‌ی قابل توجه شباهتی است که در تولد خارق‌العاده‌ی موعودها وجود دارد. موعود زرتشتی با نطفه‌ای از زرتشت که سالیان متمادی در آب نگهداشته شده، بارور شده است و از مادری باکره متولد می‌شود. موعود مسیحی نیز به تصریح کتاب‌های مقدس مسیحیان و مسلمانان، از مادری باکره متولد می‌شود. و موعود اسلام در حالی متولد می‌شود که هیچ‌گونه آثار حمل بر مادر او مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، تولد موعود در این ادیان تا حدود زیادی غیرطبیعی و خارق‌العاده است. تنها موعودی که در این بررسی گزارشات متفاوتی از تولدش رسیده است، موعود یهود است. عده‌ای اعتقاد دارند که روح او از ابتدای خلقت آفریده شده است و پیامبرانی (خنوخ و دانیال) نیز معتقدند که او از آسمان می‌آید. عده‌ای دیگر نیز تولد او را عادی قلمداد می‌کنند. علاوه بر این، در جزئیات تولد موعود زرتشتی و مسیحی، باکره بودن مادر موعود بسیار مشابه است و در جزئیات تولد موعود زرتشتی و اسلام، مشاهده نشدن آثار حمل در مادر و قبل از تولد موعود، کاملاً یکسان گزارش شده است.

نسبت

موعود ادیان در زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، از خاندان والای پیامبران است. نسبت سوشیانت (موعود دین زرتشت) از طرف پدر به زرتشت می‌رسد و مادر او نیز از نوادگان پسر زرتشت است. نسبت موعود یهودی به داود نبی می‌رسد، و مسیح، موعود مسیحیان، نیز از خاندان پیامبران بنی اسرائیل است. نسبت مهدی، موعود مسلمانان، از طرف پدر به پیامبر دین اسلام حضرت محمد (ص) می‌رسد، و آن‌گونه که روایت شده است، از طرف مادر نیز با انبیا و اوصیا و بزرگان دین نسبت دارد. این نیز یکی از شباهت‌های موجود در موعود ادیان متفاوت است. بین موعود مسیحیت و موعود ادیان دیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد؛ در مسیحیت، خود پیامبر یعنی عیسی بن مریم به عنوان موعود معرفی شده‌است، اما در دیگر ادیان موعود کسی است که نسبتش به پیامبر می‌رسد.

خصوصیات

موعود و منجی دین‌های یهودی، مسیحی، اسلام و زرتشتی، از ویژگی‌های اخلاقی والایی برخوردار است. او واجد تمام

ویژگی‌ها و اخلاقیاتی است که پیامبر آن دین به آن منسوب بوده است.

وجه اشتراک اندیشه‌های موعود همه‌ی ادیان این است که او به خوی پسندیده، تقوا، دانش و همه‌ی صفات نیکو آراسته و از بدی‌ها و زشتی‌ها میراست. دلیل این همسانی‌ها در خو و سیرت بین نجات‌بخشان ادیان، این است که اصولاً موعود آخرالزمان شخصیتی آسمانی دارد و مانند دیگر برگزیدگان خداوند، از صفاتی پسندیده و نیکو برخوردار است. هیچ‌کدام از ادیان مورد بحث، خوی و خصلت ناپسندیده‌ای را به موعود خود نسبت نمی‌دهند، بلکه سعی دارند او را با بهترین صفات وصف کنند.

حوادث هنگام ظهور

از نکات قابل توجه هنگام ظهور هر یک از نجات‌بخشان ادیان، حوادثی است که در امور طبیعی جهان رخ می‌دهند. همه‌ی ادیان مورد بررسی، به تغییرات و ناهنجاری‌هایی در ماه، خورشید، و ستارگان هنگام ظهور اشاره داشته‌اند. سقوط یک ستاره به زمین و نیز توقف خورشید به مدت سی روز از نشانه‌های ظهور سوشیانت نقل شده است.

سیاه شدن آفتاب و ماه و توقف تابش ستارگان از نشانه‌های ظهور موعود یهودی است. تاریکی آفتاب و ماه و سقوط ستارگان از حوادث هنگام ظهور مسیحاست و رخداد نابه‌هنگام خسوف و کسوف از حوادث زمان ظهور موعود اسلام معرفی شده‌اند. علاوه بر این، شنیده شدن صداهای گوناگون از آسمان در بیش‌تر این ادیان ذکر شده است. پیدا شدن ستونی از آتش هنگام ظهور موعود یهودی و اسلام، از شباهت‌های آن دو محسوب می‌شود.

علامت‌های دیگری که در مورد زمان نزدیک شدن ظهور منجی در ادیان گفته شده است، بسیار به هم شبیه‌اند. مانند: قحطی‌های مکرر، باران‌های بی‌موقع و سیل آسا، زلزله‌های مکرر، و نیز بی‌سامانی کلی در همه‌ی ارکان جامعه.

جهان قبل از ظهور

توصیفی که از جهان پیش از ظهور در این ادیان شده، بسیار به هم شبیه است. در همه‌ی این ادیان گفته شده که جهان پیش از ظهور، جهانی است تیره و تاریک که انواع انحرافات اخلاقی، ناهنجاری‌های اجتماعی، نابسامانی‌های دینی، حوادث ناگوار

طبیعی و... در آن مشاهده می شود. تصویرهایی که این ادیان در مورد جهان قبل از ظهور ارائه می دهند، مثل افزایش ظلم و ستم، فراگیری فتنه و آشوب، جنگ های خانمانسوز و ویرانگر، فساد اخلاقی، فراوانی حوادث نابه هنگام طبیعی و غیرطبیعی و... در بسیاری از موارد درست عین هم نقل شده اند. این جهان مجموعه ای است که هیچ نظمی بر آن حاکم، و هیچ اصلی در آن پایدار نیست. رنج ها و دردهایی که پیش از ظهور موعود ادیان رخ می دهند، در بعضی روایات دینی به دردهای قبل از زایمان تشبیه شده اند.

جهان پس از ظهور

اما جهانی که پس از ظهور منجی در آخرالزمان ساخته می شود، سرشار از روشنایی، زیبایی، عدالت، امنیت و نعمت است. روایات متعددی که از متون دینی ادیان مورد بررسی به ما رسیده اند، همه عصر پس از ظهور را در امور زیر یکسان توصیف کرده اند:

تشکیل حکومت واحد جهانی، رشد عقلانی، تعمیم دانش، اقتصاد بسامان، شادابی و صفای زندگی، امنیت، رفع امتیازات، مساوات، وفور نعمت، بی نیازی همگانی، توقف جنگ و خونریزی، از بین رفتن ظلم و ستم و گسترش عدل و داد، در بند شدن شیطان، احیای سنت های اولیه ی دین آسمانی، پایان یافتن درد و رنج و بیماری، آشکار شدن گنج از زمین، صفا و صمیمیت و حاکمیت دین بر زندگی انسان ها، نقش رهبری دینی در برقراری وضعیت آرمانی، گسترش عدالت، برقراری حکومت دینی و فراهم شدن صلح جهانی.

این شباهت ها آن قدر زیادند که حتی گاهی تعبیرهای بسیار شبیه به یکدیگر و یکسان با هم به کار برده شده اند؛ مثل زندگی گرگ و گوسفند در کنار هم و هم زیستی مسالمت آمیز گرگ و بره در جهان پس از ظهور موعود اسلام و پرباری و سرسبزی و همیشه شکوفا بودن گیاهان در آئین زرتشتی و میوه دادن درختان در هر روز در جهان پس از ظهور موعود مسیحی. به عبارت دیگر، این اعتقاد فصل مشترک همه ی ادیان است که موعودی برای ساختن جهانی خالی از اندوه، از جانب خداوند مأمور می شود.

زمان ظهور

برای ظهور موعودهای ادیان، تاریخ مشخصی وجود ندارد و

اشارات گوناگون گاه کلی هستند و زمانی به سال های غیر دقیق و نامشخصی اشاره می کنند ادیان اسلام، مسیح و یهود، هیچ زمانی برای ظهور منجی آخرالزمان تعیین نکرده و فقط پیروان خویش را به انتظار و دعا برای ظهور مصلح فراخوانده اند. علاوه بر این، در این ادیان کسانی که روز یا سال خاصی را برای ظهور تعیین می کنند، به شدت مورد تکذیب واقع شده اند. البته در اسلام روزهای جمعه، عاشورا و نوروز، به عنوان روز منجی معرفی شده اند. لیکن در روایات اسلامی، سالی به عنوان سال ظهور ذکر نشده است. در یهودیت نیز روزهای نیسان و تشرین به عنوان روز ظهور ذکر شده اند. تنها دینی که زمان ظهور را تعیین کرده، دین زرتشت است. که ظهور سوشیانت را در هزاره ی دوازدهم نوید می دهد.

در بعضی از ادیان مسائلی وجود دارد که ظهور منجی به آن مربوط دانسته شده است. مثلاً در روایات اسلامی و یهودی آمده است که کردار و دعای مردم ظهور را تسریع خواهد کرد.

مکان ظهور

مکان ظهور در هر یک از این ادیان متفاوت است. موعود زرتشت کنار رودخانه ی «کیانسه» ظهور می کند. موعودهای یهود و مسیحیت در «اورشلیم» ظاهر می شوند. و محل ظهور موعود اسلام، شهر «مکه» است. با این که در نام شهرهایی که برای ظهور موعود در نظر گرفته شده اند. تفاوت هایی مشاهده می شود، اما شباهتی نیز در این مورد در ادیان وجود دارد. همه ی ادیان شهری را به عنوان محل ظهور موعود خود نام برده اند که میان پیروان آن ها مقدس است و خاستگاه اصلی آن دین محسوب می شود.

قیام ها و شورش های قبل از ظهور

درباره ی دوره های رخ دادن قبل از ظهور موعود همه ی ادیان و تا حدودی پس از ظهور منجی، قیام های مثبت و منفی نسبتاً فراوانی نقل شده است. هوشیدر، هوشیدر ماه، سیاه جامگان و ضحاک، قبل از ظهور سوشیانت قیام می کنند. ظهور هوشیدر و هوشیدر ماه، قیام های مثبت و پیش زمینه ی ظهور سوشیانت هستند و قیام های سیاه جامگان و ضحاک، منفی تلقی می شوند. مسیحابن یوسف، مسیحابن داوود الیاس و دجال قبل از ظهور موعود یهودی ظاهر می شوند. قیام مسیحابن یوسف، مسیحابن

داوود و الیاس، پیش‌زمینه و یاریگر قیام منجی یهود در آخرالزمان است و قیام دجال، شورشی منفی در برابر آن محسوب می‌شود. قبل از ظهور موعود مسیحی، با قیام منفی دجال روبه‌رو هستیم. از قیام‌های سفیانی و دجال نیز در متون اسلامی نام برده شده است که قیام‌های منفی در جهت تضعیف قیام و انقلاب مهدی (عج) به شمار می‌روند. در عوض، قیام‌های «خراسانی» و «یمانی» قیام‌هایی هستند که زمینه‌ساز و یاری‌کننده‌ی موعود اسلام به شمار می‌آیند.

به نظر می‌رسد، وجود این قیام‌ها برای ظهور منجی بسیار ضروری باشد. زیرا هر انقلابی وقتی به نتیجه می‌رسد که قبلاً در ابعاد متفاوت زمینه‌سازی خوبی برای آن شده باشد و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید. این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد. انقلاب جهانی موعودهای ادیان که مهم‌ترین و وسیع‌ترین و عمیق‌ترین انقلابات جهانی است و تمام دنیا را در برمی‌گیرد، از این قاعده مستثنا نیست.

رجعت مردگان و ظهور جاودانان

همه‌ی ادیان مورد بررسی، از جاودانان و بی‌مرگانی نام می‌برند که به نوعی یاریگر موعود ادیان در برقراری نظام جهانی وعده داده شده هستند. پشوتن یا بهرام و جاوند در دین زرتشت، الیاس در دین یهود، خضر و عیسی مسیح در دین اسلام، از جمله‌ی معروف‌ترین جاودانانی هستند که به یاری موعود می‌شتابند. علاوه بر این، مردگانی در این ادیان وجود دارند که زنده شده‌اند و حیات خود را پس از ظهور منجی آخرالزمان از سر می‌گیرند. هرچند در تعداد و نیز زمان زنده شدن این مردگان اختلافاتی در روایات ادیان گوناگون دیده می‌شود، اما همه‌ی آن‌ها به موضوع رجعت و زنده شدن تعدادی از مردگان اشاره داشته‌اند. شباهت دیگری نیز بین اسلام و مسیحیت دیده می‌شود. هر دو معتقدند، کسانی که رجعت می‌کنند که یا بسیار بی‌گناه و صالح هستند و یا بسیار مجرم و گناهکار.

رستاخیز

ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی، رستاخیز را به ظهور منجی آخرالزمان پیوند می‌زنند. به روایت بندهش، رستاخیز مردگان از پی ظهور سوشیانس فرامی‌رسد. کتاب‌های دینی یهودی اعتقاد دارند که رستاخیز چهل روز پس از ظهور مسیحا رخ خواهد داد و

مردگان از خاک برمی‌خیزند [کریستون: ۱۱۵]. پس از بازگشت قوم به فلسطین، مردگان زنده خواهند شد. و از دیدگاه مسیحیان انتظار می‌رود که در پایان تاریخ انسان، عیسی مردگان را به حیات بازگرداند و نقش داور الهی را در جدا ساختن نجات‌یافتگان از نفرین‌شدگان ایفا کند. اما اسلام رستاخیز را امری عظیم و جدا از ظهور منجی می‌داند [سلیمانی اردستانی: ۲۰۵]. به اعتقاد اسلام، رستاخیز زمانی پس از ظهور منجی توسط خداوند رخ خواهد داد.

ارتباط با موعود ادیان، قبل از ظهور

از نحوه‌ی ارتباط و تعامل موعود دین زرتشت و یهود با مردم قبل از ظهور اطلاعی در دست نیست. ظاهراً مردم ارتباطی با آن‌ها ندارند. موعود مسیحیت یعنی عیسی، در بلندای آسمان‌ها جای دارد. پس طبیعتاً نمی‌تواند تعاملی با فرد فرد دوستدارانش داشته باشد. او در آسمان‌ها منتظر زمان ظهور است و قبل از ظهور، مردم نمی‌توانند هیچ‌گونه تماس و ارتباطی با او داشته باشند. اما در اسلام برخلاف دیگر ادیان و مذاهب، منجی موعود تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که آخرالزمان را از هرگونه بی‌عدالتی و نابرابری پیراسته می‌سازد، مطرح نیست، بلکه او شخصیتی است فرازمانی که سه زمان گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد [شفیعی سروستانی: ۸۷].

مهدی اسلام انسان معینی است که در کنار ما با تمام وجودش زندگی می‌کند و برای ما در همه‌ی این دردها و غصه‌ها و آتش تاخت و تازهای ستمگران و سوز و گداز دردمندان، می‌سوزد [همان، ص ۶۲]. مهدی آمده و آماده است. او در جامعه با مردمان می‌زید و با آنان سخن می‌گوید و حتی ارشادشان می‌کند، اما به ناگزیر تا هنگام مقرر ناشناخته باقی می‌ماند.

این موضوع را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های موعود ادیان با موعود اسلام به شمار آورد.

موعودهای دروغین

جذابیت و گیرایی خاصی که در موضوع منجی‌گرایی و مباحث مربوط به آینده وجود دارد، موجب شده است که در طول تاریخ، افراد زیادی ادعا کنند، منجی موعود هستند.

با وجود تفاوت‌هایی که در سندیت گفته‌های متون دینی ادیان مورد بحث وجود دارد، همه‌ی این ادیان شاهد ظهور مدعیان

دروغینی در طول تاریخ بوده‌اند که این را نیز می‌توان از شباهت‌های ادیان در مورد موضوع مهدویت به‌شمار آورد.

هر چند از موعودهای دروغینی که ادعای منجی بودن کرده و خود را سوشیانت دین زرتشتی نامیده‌اند، اطلاع درستی در دست نیست، اما گفته شده است که تکیه‌گاه اصلی یکی از مهم‌ترین فرقه‌های دروغینی که در ایران به وجود آمده، یعنی «مانویت»، اعتقاد به موعود و منجی بوده است. فرقه‌ی مانویت از تلفیق پاره‌ای مبانی مسیحیت با اعتقادات زرتشتی و برخی عقاید بین‌النهرینی شکل گرفت. معمار اصلی آن فردی به نام مانی بود که اول خود را شاگرد مسیح، بعد خود را مسیح و سپس موعود بودایی و بعد سوشیانس نامید [مانی].

تعداد مدعیان در دین یهود بسیار زیاد گزارش شده است، به طوری که هر چند مؤلف کتاب «انتظار مسیحا» در آئین یهود، قصد بر شمردن ماشیح‌های دروغین در دوران گوناگون را ندارد و فقط به منجی‌های دروغینی می‌پردازد که در اعتقاد و زندگی یهودیان تأثیر داشته‌اند، اما حدود ۲۰ مسیحی‌های دروغین را نام می‌برد که در سالیان نامتدیدی ادعای مسیحا بودن کرده‌اند. از میان آن‌ها شبتای صبی نامدارترین مسیحی‌های دروغین است. به عقیده‌ی او، آخرین مدعی دروغین مسیحا در تاریخ یهود، تانکیف لایوتیس فرانک [کریستون: ۱۴۵] بوده است. می‌توان فهمید که تعداد مدعیان باید بسیار بیش‌تر از این تعداد بوده باشد.

نویسنده‌ی کتاب «قاموس کتاب مقدس» درباره‌ی شمار مدعیان دروغین موعود مسیحی می‌نویسد: «۲۴ نفر مسیحی‌های دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین آن‌ها برکوکبه است که در اوایل قرن ثانی می‌زیست و آن دجال معروف ادعا می‌نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است.»

تعداد مدعیان دروغین در دین مسیحیت نیز کم نبوده است. مثلاً تنها در قرن دوازدهم، حدود ۱۰ نفر مسیحی‌های دروغین ظاهر شده‌اند. یا در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ در انگلستان، بالغ بر شش تن به نام مسیح موعود ظهور کرده و جمعی را به خود متمایل گردانیده و موجب فتنه و جنگ شده‌اند.

کتاب «ادیان و مهدویت» از صفحه‌ی ۶۹ تا ۸۳، حدود ۵۰ نفر را نام می‌برد که به دروغ در اسلام ادعای مهدویت کرده‌اند. نویسنده‌ی کتاب «برگزیدگان خدا»، تعداد این افراد را به نقل از منتقم حقیقی، ۶۴ تن ذکر می‌کند و می‌نویسد: «در مذهب اسلام، چنان‌که در منتقم حقیقی آمده است، ۶۴ نفر مدعی مهدویت شده‌اند

که بعضی از آن‌ها زود به نابودی کشانده شده‌اند و بعضی از آن‌ها هم با دستبازی سیاست‌های استعماری، تلاش مذبحخانه‌ای می‌کنند» [مجدوب صفا: ۲۱۹]. مهم‌ترین مدعی دروغین مهدویت در قرن‌های اخیر، سیدعلی محمدباب بوده است.

جالب است بدانیم، در همه‌ی این ادیان در مورد ظهور مدعیان دروغین قبل از ظهور منجی حقیقی، به علت طولانی شدن زمان انتظار، تذکر داده شده است و پیروان ادیان را از این مدعیان برحذر داشته شده‌اند.

در «دینکرد» آمده است که: «آمدن سوشیانت آن قدر طول می‌کشد که درباره‌ی او می‌گویند که او نمی‌آید، درحالی که او خواهد آمد» [ابراهیم: ۴۹].

در «انجیل متی» باب ۲۴ آیات ۲۳ تا ۲۵ می‌خوانیم «آن‌گاه اگر کسی به شما گوید اینک مسیح در این جا یا آن‌جاست، باور نکنید، زیرا که مسیحیان کاذب و انبیای کذب‌های ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را از پیش خبر دادم.» در «انجیل مرقس» باب ۱۳ آمده است: «زنهار شما را گمراه نکنند! زیرا که بسیاری به نام من آمده و خواهند گفت که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند نمود» (۵ و ۶).

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نیز نقل شده است که فرمود: «پیش از ساعت دروغگویی ظاهر خواهند شد، پس از آنان برحذر باشید» [بهشتی: ۵۲].

منابع

۱. شفیع سروستانی، ابراهیم. انتظار بایدها، نبایدها.
۲. محمدی اشتهاردی، محمد. حضرت مهدی فروغ‌تابان ولایت به نقل از jamkaran.info.
۳. کریستون، جونیوس. انتظار مسیحا در آیین یهود.
۴. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم. درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت.
۵. مانی.
۶. مجدوب صفا، سیدعباس. برگزیدگان خدا از خاندان محمدین عبدالله.
۷. ابراهیم، علی رضا. مهدویت در اسلام و دین زرتشت.
۸. بهشتی، محمد. ادیان و مهدویت.
۹. http://mouood.com.
۱۰. http://www.emammahdi.com.